

رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران*

دکتر مریم دانای طوسی^۱

دکتر علیرضا کیامنش^۲

چکیده

برنامه‌ریزی آموزشی به طور سنتی به چگونگی آموزش تواناییهای سواد در طیف زیادی از جمعیت کشور می‌پردازد. بعد کلیدی برنامه‌ریزی آموزشی در وهله اول، تعیین تعریف سواد و در وهله دوم، تعیین بهترین شیوه آموزش سواد با امکانات موجود در کشور است. سپس، برنامه‌ریزی درسی به سواد شکل می‌دهد و شیوه انتقال آن را در افراد جامعه تعیین می‌کند.

تعریف‌های گوناگونی برای سواد ارائه شده است که در قالب دو رویکرد متفاوت قابل بررسی است: رویکرد «مستقل از بافت»^۳ و رویکرد «ایدئولوژیکی»^۴. در رویکرد «مستقل از بافت» فرضیات فرهنگی و ایدئولوژیکی زیربنای سواد، به طوری نادیده گرفته می‌شود که گویی بی‌طرفانه^۵ و جهانی هستند. از طرف دیگر، رویکرد «ایدئولوژیکی» درباره سواد دیدگاهی حساس به بافت دارد؛ در این رویکرد، سواد فعالیتی اجتماعی به شمار می‌آید که از یک بافت فرهنگی — اجتماعی به بافت فرهنگی — اجتماعی دیگر متفاوت

* این مقاله بخشی از گزارش طرح پژوهشی است که با حمایت مالی مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی در حال انجام است.

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۷ تاریخ آغاز بررسی: ۸۷/۱۲/۱۴ تاریخ تصویب: ۸۸/۷/۲۵

۱- دانشگاه گیلان (پست الکترونیکی: maryam.dana@gmail.com)

۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (پست الکترونیکی: kiamanesh ar@yahoo.com)

۳- Autonomous Approach to Literacy

۴- Ideological Approach to Literacy

۵- neutral

است. از این رو، در چارچوب این رویکرد، سواد مهارتی فنی و جهانی (همگانی) به شمار نمی‌آید. پژوهش حاضر، رویکرد نظری زیربنای تعریف سواد را در تدوین برنامه درسی دو کشور در حال توسعه (اندونزی و سنگال)، چهار کشور توسعه یافته (آمریکا، کانادا، انگلستان و سنگاپور) و نهایتاً، در برنامه درسی ایران مطرح می‌کند و درصدد است تا این نکته روشن شود که تدوین برنامه درسی در کشورهای فوق، به چه میزانی تحت تأثیر رویکردهای «مستقل از بافت» و «ایدئولوژیکی» قرار گرفته‌اند. کلید واژه‌ها: سواد، برنامه درسی، رویکرد ایدئولوژیکی، رویکرد مستقل از بافت

مقدمه

تعریف‌های گوناگون و گاه متضادی از سواد ارائه شده است. برخلاف تصور، مفهوم سواد مفهومی گیج‌کننده و در عین حال بحث‌انگیز است (هربرت و ریچاردسون،^۱ ۲۰۰۱؛ بهولا،^۲ ۱۹۹۴؛ جی،^۳ ۱۹۹۱؛ و بزنیو و استریت،^۴ ۱۹۹۴). به طور کلی تعریف‌های گوناگون سواد را می‌توان در قالب دو رویکرد متفاوت مورد بررسی قرار داد: رویکرد «مستقل از بافت» و رویکرد «ایدئولوژیکی».

سواد در چارچوب رویکرد «مستقل از بافت»، با توانایی‌های ذهنی خاصی ارتباط دارد و این توانایی‌ها در بافت‌های اجتماعی و شرایط گوناگون، کاربرد یکسانی دارند. در این برداشت، سواد توانایی خواندن و نوشتن تعریف می‌شود و با سواد بودن نیز به معنای داشتن قابلیت استفاده از مواد و متون مکتوب و نیز مهارت‌های فنی مرتبط با رمزگردانی و رمزگشایی است. بر پایه این دیدگاه، سواد امری بدون جهت‌گیری است و می‌تواند برای هر نوع هدفی، خوب یا بد و شخصی یا جمعی به کار رود. همچنین، هنگامی که افراد با سواد می‌شوند، می‌توانند از آن برای یادگیری‌های بعدی استفاده کنند و یا در زندگی روزمره از آن بهره‌گیرند.

برنامه سواد آموزی مبتنی بر رویکرد مستقل از بافت، افراد بی‌سواد را به سمت عملکرد بهتر در زمینه‌های اقتصادی سوق می‌دهد و آن‌ها را به لحاظ علمی همیشه وابسته نگه می‌دارد. بر اساس رویکرد «مستقل از بافت» می‌توان گفت، سواد مهارت شناختی ساده‌ای به شمار می‌آید که قابل یادگیری است. همانطور که فرد توپ بازی، شکار پرندگان یا افروختن آتش را یاد می‌گیرد،

۱- Herbert & Richardson

۲- Bhola

۳- Gee

۴- Besnier & Street

همانطور هم می‌آموزد که بخواند و بنویسد. بر اساس این دیدگاه، کسانی که بر این مهارت‌ها تسلط یافته‌اند، می‌توانند از آن‌ها برای اثرگذاری بر دیگران و به دست آوردن جایگاه استفاده کنند (استریت، ۱۹۸۴).

چنین برداشتی از سواد، در بسیاری از کشورها رواج دارد؛ با این حال، همیشه آموزش کسب شده با آموزش قصد شده، هماهنگ نیست. هر چند در چارچوب این رویکرد، بعضی افراد با سواد موقعیت شناختی و اقتصادی برتری نسبت به بی‌سوادان دارند، اما ساده‌انگارانه است که فرض کنیم همه افراد با سواد مهارت‌های شناختی بالاتر و موقعیت مالی بهتری دارند.

همچنین نمی‌توان فرض کرد همه کسانی که سواد تعریف شده‌ای در چارچوب این رویکرد ندارند، افرادی عقب مانده‌اند که توانایی‌های شناختی سطح پایین و مشکلات اقتصادی دارند، زیرا غالباً با افراد با سواد برخورد می‌کنیم که حتی نمی‌توانند در زمینه تخصص خود عملکرد مؤثری داشته باشند.

آنچه رویکرد مستقل از بافت پیش‌بینی می‌کند، همیشه در موقعیت‌های زندگی واقعی صادق نیست. این واقعیت در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی به رویکرد دیگری از سواد منجر شد که امروزه در حوزه تعلیم و تربیت پذیرفته شده است و رویکرد «ایدئولوژیکی» به سواد نامیده می‌شود. در این دیدگاه، سواد به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها اشاره می‌کند که بسیار فراتر از خواندن و نوشتن هستند و به جای آنکه تنها به معنای خواندن و نوشتن متون مکتوب باشد، به معنای رمزگردانی و رمزگشایی اطلاعات در تمام اشکالی است که بشر برای انتقال معنا به کار می‌گیرد (سواد چندگانه گفتاری، نوشتاری، شنیداری، خوانداری و دیداری). همچنین، تأثیر فناوری‌ها و شیوه‌های جدید پردازش اطلاعات را نیز مدنظر دارد. به عبارت دیگر، به دست آوردن سواد مستلزم به دست آوردن طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها و دانش‌هاست که برای استفاده از انواع اطلاعات و پردازش آن و نیز واکنش در برابر فناوری‌های موجود در جامعه ضروری است.

علاوه بر این، قابلیت چندگانه سواد مبتنی بر رویکرد ایدئولوژی متأثر از بعد اجتماعی - فرهنگی هر جامعه یا به بیان روشن‌تر متأثر از ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های جامعه است و نمی‌تواند بدون جهت‌گیری باشد (استریت، ۱۹۸۴). چنین سودای نه تنها بر حسب زمان و مکان

متغیر است، بلکه روابط قدرت را نیز به چالش می‌کشد و از همین رو، بحث «سواد انتقادی»^۱ مطرح می‌شود.

سواد انتقادی، کاربردی از زبان است که بر نقش قدرت‌دهنده سواد در شکل دادن دوباره به دنیای افراد تأکید می‌کند. به دست آوردن این نوع سواد، مستلزم درک تنوعات اجتماعی - فرهنگی، حساسیت به آن‌ها و نیز درک این نکته است که معنای هر صورت ارتباطی (گفتاری، نوشتاری و دیداری)، به بافت فرهنگی - اجتماعی، منظور و مخاطب بستگی دارد (چارچوب برنامه درسی استرالیای غربی برای پایه‌های کودکان تا دوازدهم، ۱۹۹۸)^۲.

مختصه مهم سواد انتقادی آگاهی از رابطه میان زبان و قدرت است. به عبارت دیگر، دستیابی به منابع قدرت از طریق شکل‌گیری مهارت‌های زبانی امکان‌پذیر می‌شود. این مطلب بدان معناست که کنترل زبان و ارتباط به افراد قدرت می‌بخشد و این قدرت را از دیگران می‌گیرد. همچنین، می‌توان از زبان برای اثرگذاری بر رفتار دیگران بهره گرفت و دانش زبانی و شیوه عملکرد آن را برای ادامه کنترل دیگران استفاده کرد (گوتیرز^۳، ۲۰۰۸). فرد با داشتن چنین سواد، با جمع‌آوری اطلاعات مناسب و سازماندهی و تعریف هدف‌های مشخص، آن را به عنوان ابزار نیل به هدف‌های مطلوب و تولید دانش به کار می‌برد. چنین فردی می‌تواند درباره اشتباهات خود بیندیشد و از توانایی سواد برای تصحیح آن بهره‌گیرد.

بیانیه رسمی یونسکو در راستای «دهه سواد سازمان ملل متحد» (۲۰۱۲-۲۰۰۳) برداشت جدیدی از سواد را مطرح کرد. در این بیانیه، سواد چندگانه و چند بعدی مورد توجه قرار گرفت (شیفر، ۲۰۰۳). از دیدگاه یونسکو، سواد تنها به معنای خواندن و نوشتن نیست، بلکه به معنای قابلیت‌ها و توانمندی‌های متعددی است که در قلب آن، قابلیت‌های ارتباطی قرار دارد. برای مثال گرین (۱۹۹۸) و لانک شایر (۱۹۹۷)؛ به نقل از شیفر، ۲۰۰۳) انواع سواد یا قابلیت‌های مرتبط را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

- ۱- سواد عملیاتی، به معنای توانایی خواندن و نوشتن در زمینه‌های گوناگون؛
- ۲- سواد فرهنگی، به معنای فهم مسائل با توجه به زمینه‌های آن؛

۱- Critical literacy

۲- Curriculum framework for kindergarten to year 12 education in western Australia.

۳- Gutierrez

۳- سواد انتقادی، به معنای توانایی مشارکت در امور اجتماعی و نیز تلاش برای اصلاح و بهبود آن.

بعد کلیدی برنامه ریزی آموزشی در وهله اول تعیین تعریف سواد و در وهله دوم تعیین بهترین شیوه آموزش سواد با امکانات هر کشور است. برنامه ریزی درسی به سواد شکل می دهد و شیوه انتقال آن را در افراد جامعه تعیین می کند (لیدیگت، ۲۰۰۷). امروزه برنامه ریزی درسی تنها بیانیه ای درباره سواد مطلوب و روشهای دستیابی به آن برای نیل به اهداف آموزشی یا رشد ملی نیست، بلکه دانش و مهارتهای لازم برای مشارکت در دنیای اقتصادی و اجتماعی را فراهم می آورد. تأکید بر سواد تا حدودی به دلیل آن است که جهانی شدن در حوزه های اجتماعی و اقتصادی، مسائل مربوط به برنامه ریزی سواد را پیچیده تر از مسائل مربوط به ارائه برنامه آموزشی برای آن کرده است. این مطلب بدان معنی است که برنامه ریزی برای سواد فقط برنامه ریزی برای پیشرفت در روش تدریس گونه ثابتی از سواد نوشتاری نیست، بلکه باید درک و مفهوم سازی از سواد، شیوه آموزش، بافت آموزش و همچنین وجوه آموزش سواد (نوشتاری، گفتاری، شنیداری، خوانداری و دیداری) نیز مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش حاضر، در پی آن بوده است که رویکرد نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی کشورهای در حال توسعه سنگال و اندونزی و کشورهای توسعه یافته آمریکا (ایالت نیوجرسی)، کانادا (ایالت آبرتا)، انگلستان و سنگاپور را با تحلیل ویژگی های آنها آشکار کند. این تحقیق همچنین در نظر دارد با تحلیل ویژگی های برنامه درسی ایران، رویکرد نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی ایران و نقاط قوت و ضعف آن را مورد بحث قرار دهد. برای ساده شدن مبحث، جدول مختصه های دو رویکرد «مستقل از بافت» و «ایدئولوژیکی» در زیر ارائه شده است.

| مختصه‌های رویکرد «مستقل از بافت» | مختصه‌های رویکرد «ایدئولوژیکی» |
|---|---|
| بر مهارت‌های رمزگشایی و رمزگذاری متون نوشتاری تأکید می‌شود (بدون توجه به مهارت برقراری ارتباط حتی در قالب سواد تک بعدی) | سواد مساوی است با توانایی برقراری ارتباط مؤثر و رمزگردانی و رمزگشایی ستون گفتاری، نوشتاری، شنیداری، خوانداری و دیداری (سواد چندبعدی) |
| سواد امری فاقد جهت‌گیری (بدون تابعیت ایدئولوژی مشخص و بدون توجه به بافت اجتماعی و فرهنگ) و جهانی است (سواد بدون تأثیر از جامعه) | سواد به طور کامل متأثر از بعد اجتماعی - فرهنگی هر جامعه یا به بیان روشن‌تر متأثر از ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های جامعه است و نمی‌تواند بدون جهت‌گیری باشد (سواد متأثر از جامعه) |
| بُعد انتقادی در ساختار سواد فوق وجود ندارد | بر سواد انتقادی تأکید می‌شود |
| تنها کسب دانش موجود مورد نظر است | توانایی افراد در تولید علم مورد نظر است |
| توانایی افراد و گروه‌ها در یادگیری با استفاده از فناوری‌های متفاوت مورد توجه نیست | بر توانایی افراد و گروه‌ها در یادگیری با بهره‌گیری از فناوری‌های متفاوت تأکید می‌شود |

تبیین چارچوب نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی کشورهای در حال توسعه: اندونزی و سنگال

اندونزی و سنگال که کشورهایی در حال توسعه هستند، سندی با عنوان برنامه درسی ندارند. (دپارتمان آموزش و پرورش ملی اندونزی^۱، ۱۹۹۹، دستورالعمل‌های ملی در وزارت آموزش و پرورش سنگال^۲، ۲۰۰۸-۱۹۹۹). نورویت^۳ (۲۰۰۴) گزارش می‌دهد برنامه سوادآموزی سنگال که با حمایت مالی بانک جهانی اجرا می‌شود، در وهله اول بر شکل دادن به مهارت‌های محدودی برای خواندن، نوشتن و حساب مقدماتی تأکید می‌کند و درباره آموزش خواندن و نوشتن وارد جزئیات نمی‌شود؛ اما با بحث درباره برنامه آموزش حساب و چارچوب آموزش مهارت‌ها می‌کوشد تا دیدگاهی را به ما ارائه دهد. طبق گزارش نورویت، آموزش حساب در سه سطح انجام می‌شود (البته معمولاً از سطح دوم فراتر نمی‌رود): سطح اول: شمارش، جمع، تفریق، ضرب، تقسیم و حل مسئله مقدماتی؛ سطح دوم: استفاده از ماشین حساب؛ سطح سوم: هندسه

۱- Department of National Education Indonesia

۲- National Quidelines in Senegal - Ministry of Education

۳- Nordtveit

(سطح و حجم)، اعداد مرکب و اعشاری.

۸۰ درصد آموزش گران تنها دروس سطح اول را آموزش می دهند و با اینکه آموزش مهارت‌ها در حد گسترده‌ای فرض می شود، اما نه تنها فقط مهارت‌های سطح پایین آموزش داده می شوند، بلکه این مهارت‌ها در پایینترین سطح خود باقی می ماند. توصیه‌های مربوط به پیشرفت کیفیت برنامه، از برنامه‌ای در چارچوب رویکرد «مستقل از بافت» حکایت می کند:

- یادگیری شمارش پول محلی و تبادلات مالی؛ بحث درباره شیوه پرهیز از گول خوردن؛
- آزمون‌های ساده دیداری برای تعیین اینکه کدام یک از فراگیران باید به تخته سیاه نزدیک تر باشند؛
- درخواست از خواننده‌ها برای آوردن مطالبی که مایلند بخوانند.

برنامه سوادآموزی اندونزی با تأکید بر آموزش سواد عملکردی (تابعی)^۱ اندکی جلوتر از سنگال است. در این برنامه علاوه بر آموزش مهارت‌های سطح پایین سواد (رمزگشایی و رمزگذاری متون نوشتاری) بر آموزش مواردی تأکید می شود که آشکارا درباره فعالیت‌های اقتصادی است (مانند توانایی محاسبه سود و زیان و توانایی جمع و ضرب). بعد انتقادی در ساختار سواد فوق وجود ندارد و به ایجاد توانایی تعیین جایگاه اطلاعات و دستیابی به آن‌ها، حتی در تمرین‌های نوشتاری توجه نمی شود (نوریت، ۲۰۰۴).

تبیین چارچوب نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی ایالت نیوجرسی کشور آمریکا (۲۰۰۴)

برنامه درسی مشترک ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)، استانداردهای محتوایی را در ۹ موضوع درسی (هنرهای دیداری و نمایشی، بهداشت عمومی و تربیت بدنی، سواد مهارت‌های زبانی، ریاضیات، علوم، مطالعات اجتماعی، زبان‌های جهان، سواد فناوری، آموزش حرفه‌ای، مهارت‌های مصرف، خانواده و زندگی) و بر پایه آخرین یافته‌های پژوهشی در هر یک از این موضوعات ارائه می دهد (لیبررا، تن آیک، دولان و مُرس^۲، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، می توان پیش بینی کرد که در پایان آموزش مدرسه‌ای دانش‌آموزان ایالت نیوجرسی به چه نوع سواد و به چه میزانی دست یابند. این استانداردها تصویری از مهارت‌ها و شناختی را به دست می دهند که همه

۱- functional

۲- Librera, Ten Eyck, Doolan & Morse

کودکان نیوجرسی برای موفقیت در زندگی روزانه و حرفه‌ای خود بدان نیاز دارند و مقرر شده است که کودکان ضمن گذر از پایه‌های پیش دبستانی تا دوازدهم به آن‌ها دست یابند.

برنامه درسی مشترک نیوجرسی به گونه‌ای تدوین شده است که در تمام دروس بین برنامه درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی، انسجام و هماهنگی لازم وجود دارد. به عبارت دیگر، تدوین برنامه درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی به صورتی منسجم و در ادامه یکدیگر صورت می‌گیرد. تعداد دروس در تمام پایه‌های تحصیلی ثابت است و آموزش همه آنها اجباری است؛ به عبارت دیگر درس اختیاری در این برنامه درسی مشاهده نمی‌شود.

برنامه درسی مشترک ایالت نیوجرسی بر مبنای این پیش فرض قرار دارد که سواد با توانایی‌های ذهنی خاصی ارتباط دارد و کاربرد این توانایی‌ها در بافت‌های اجتماعی و شرایط گوناگون یکسان نیست. این موضوع با توجه به بیانیه‌های توصیفی ذیل استانداردهای هر حوزه محتوایی (هردرس) قابل تشخیص است. برای مثال در استانداردهای سواد فناوری گفته می‌شود همه دانش‌آموزان باید ماهیت و تأثیر فناوری را در ارتباط با فرد، جامعه و محیط زیست درک کنند.

شاهد دیگر در این باره، استانداردهای محتوایی آموزش مهارت‌های زبانی در زمینه نوشتن و صحبت کردن است که بر اساس آن همه دانش‌آموزان باید بیاموزند به زبانی شفاف، دقیق و سازمان‌یافته بنویسند و سخن بگویند به گونه‌ای که به لحاظ محتوا و صورت برای مخاطبان و اهداف گوناگون، متفاوت باشد (سواد متأثر از جامعه).

همچنین، در استانداردهای مربوط به سواد رایانه‌ای و اطلاعات اشاره می‌شود که دانش‌آموزان باید استفاده از رایانه و ابزارهای فناوری را برای پژوهش، حل مسئله، گسترش یادگیری، نیل به اهداف، تولید محصول و ارائه مطلب در تمام حوزه‌های محتوایی از جمله آموزش حرفه‌ای و مهارت‌های مصرف، خانواده و زندگی بیاموزند (سواد چندبُعدی). ذیل این قسمت توضیح داده می‌شود که برای تبدیل دانش‌آموزان به یادگیرندگان مادام‌العمر، آنها باید بتوانند جایگاه اطلاعات را تعیین کرده، آنها را تلیخیص و در هم تلفیق کرده و یا ارزیابی نمایند (سواد انتقادی).

ویژگی‌های فوق از جمله آموزش سواد متأثر از جامعه، آموزش توانایی برقراری ارتباط مؤثر و یادگیری از مطالب گفتاری، نوشتاری و دیداری با کمک فناوری‌ها و همچنین آموزش توانایی تعیین جایگاه اطلاعات و داشتن نگاه نقادانه و ارزیابانه به آن‌ها (سواد انتقادی)، نشان می‌دهد برنامه درسی مشترک ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴) در چارچوب رویکرد «ایدئولوژیکی» قرار دارد.

تبیین چارچوب نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی در ایالت آلبرتای کشور کانادا (۲۰۰۸)

برنامه‌های درسی ایالت آلبرتای کانادا (۲۰۰۸) در قالب اسنادی با عنوان برنامه‌های مطالعاتی^۱ و در ۲۰ حوزه محتوایی^۲ برای پایه‌های کودکتان تا دوازدهم تدوین شده‌اند (برنامه درسی با کیفیت در ایالت آلبرتای کانادا: چگونگی تدوین و اجرا، ۲۰۰۸). این مطلب نشان می‌دهد تدوین برنامه‌های مطالعاتی دوره‌های گوناگون تحصیلی به صورتی منسجم و در ادامه یکدیگر صورت می‌گیرد. از طرفی، پیامد دیگر تدوین این برنامه‌های مطالعاتی آن است که اهداف کلی آموزش مدرسه‌ای در ایالت آلبرتای کانادا تدوین شده است. به عبارت دیگر، در پایان آموزش مدرسه‌ای، می‌توان پیش‌بینی کرد که دانش‌آموزان ایالت آلبرتا به چگونه سواد و به چه میزان دست خواهند یافت.

باید دانست که در میان برنامه‌های مطالعاتی ایالت آلبرتا، برنامه‌های مطالعاتی علوم، مهارت‌های زبان انگلیسی، ریاضیات، مطالعات اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمام پایه‌های تحصیلی به صورت مستمر آموزش داده می‌شوند.

ویژگی برنامه‌های مطالعاتی ایالت آلبرتای کانادا (۲۰۰۸) این است که تعدادی از آن‌ها اختیاری هستند. در پایه اول تا پنجم دروس بهداشت و مهارت‌های زندگی، علوم، ریاضیات، مهارت‌های زبان انگلیسی، موسیقی، مطالعات اجتماعی، تربیت بدنی، هنر و فناوری اطلاعات و ارتباطات (۹ درس) اجباری‌اند و برنامه‌های مطالعاتی زبان‌ها و نمایشنامه اختیاری هستند.

برنامه‌های مطالعاتی اجباری در پایه نهم، همان موارد قبلی هستند، با این تفاوت که موسیقی و هنر از جرگه دروس اجباری خارج شده و اختیاری می‌شوند. برنامه‌های مطالعاتی اختیاری در پایه نهم شامل مسائل اخلاقی، زبان‌ها، آموزش زیست محیطی و محیط خارج از شهر؛ هنرهای زیبا و نمایشی؛ هنر، نمایشنامه و موسیقی؛ مطالعات حرفه‌ای و فناوری و دروسی هستند که به صورت محلی تدوین می‌شوند.

۱- programs of study

۲- حوزه‌های محتوایی بیست‌گانه از این قرار هستند: برنامه زبان‌های بومی؛ مطالعات بومی؛ مطالعات فنی و حرفه‌ای؛ خدمات اوان کودکی تا پایه سوم؛ انگلیسی به عنوان زبان دوم؛ مهارت‌های زبان انگلیسی؛ هنرهای زیبا؛ فرانسه به عنوان زبان دوم؛ زبان فرانسه؛ برنامه‌های گواهینامه سبز؛ مدیریت سلامت، حرفه و زندگی؛ فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ برنامه‌های زبان‌های بین‌المللی؛ دوره‌های شناخت و قابلیت استخدام؛ ریاضیات؛ تربیت بدنی؛ علوم؛ علوم اجتماعی؛ مطالعات اجتماعی برنامه‌های دیگر.

برنامه‌های مطالعاتی مربوط به دروس مدیریت حرفه‌ای و زندگی، علوم، مهارت‌های زبان انگلیسی، ریاضیات، تربیت بدنی مقدماتی، مطالعات اجتماعی، فناوری اطلاعات و ارتباطات در دوره دوم متوسطه اجباری هستند. همچنین برنامه‌های مطالعاتی هنرهای زیبا و نمایشی: هنر، نمایشنامه و موسیقی؛ زبان‌ها؛ دروسی که به صورت محلی تدوین می‌شوند؛ مطالعات حرفه‌ای و فناوری؛ علوم اجتماعی؛ مطالعات مذهبی؛ تربیت بدنی پیشرفته و آموزش خارج از محدوده^۱ مدرسه،^۲ به صورت اختیاری ارائه می‌شوند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، با بالا رفتن پایه‌های تحصیلی، تعداد برنامه‌های مطالعاتی اختیاری افزایش می‌یابد.

فرد باسواد در چارچوب این برنامه‌های مطالعاتی، کسی است که دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز را برای یادگیری آینده و دنیای کار داشته باشد و بتواند با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های اجتماعی؛ نیازهای آینده مانند استخدام، جهانی شدن، پیشرفت‌های فناوری و نظارت بر محیط زیست را پیش‌بینی کرده و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند. چنین فردی باید نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش لازم را به عنوان شهروندی فعال، مطلع و مسئول داشته باشد و برای هویت فردی و جمعی احترام قائل شود. مجموعه این ویژگی‌ها برای زندگی در جامعه تکثرگرا و دموکراتیک کانادا ضروری است.

برنامه‌درسی ایالت آلبرتا، برای رشد اجتماعی، فیزیکی، ذهنی و نیز رشد خلاقیت دانش‌آموزان، تمهیداتی دارد تا با این برنامه آموزشی، یادگیرندگانی مادام‌العمر تربیت شوند. به عبارت روشن‌تر، میان برنامه‌های مطالعاتی دروس گوناگون به لحاظ تلاش برای نیل به این اهداف همسویی و هماهنگی وجود دارد.

سواد در برنامه‌های مطالعاتی ایالت آلبرتا، امری بدون جهت‌گیری و بدون توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی و جهانی نیست (سواد متأثر از جامعه). شاهد این امر را می‌توان در برنامه مطالعاتی مهارت‌های زبانی مشاهده کرد. در این برنامه، در طول پایه‌های کودکی تا دوازدهم،

۱- Off-campus education

۲- آموزش خارج از محدوده مدرسه مستلزم مشارکت میان مدارس، کارفرمایان و دانش‌آموزان است که یادگیری دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. تجربه‌های یادگیری مورد نظر به دانش‌آموزان امکان راه یافتن به محیط کار و جستجوی علائق و توانایی‌های حرفه‌ای آن‌ها را می‌دهد. این برنامه‌های یادگیری شامل تجربه کاری دانش‌آموزان دوره متوسطه در سنین ۱۵ سال به بالا، مطالعات کاری تجربه‌های پاره وقت و کوتاه مدت در محیط کار، کارآموزی حرفه‌ای، کارآموزی با دستمزد و برنامه‌های گواهینامه سبز هستند.

شش مهارت زبانی گوش دادن و سخن گفتن؛ خواندن و نوشتن؛ نگریستن و ارائه دادن^۱ در دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. دو هدف برای آموزش این مهارت‌های زبانی فرض شده است: یکی ایجاد شناخت و درک اهمیت هنری ادبیات و دیگری ایجاد شناخت و درک زبان و توانایی استفاده از آن به منظورهای گوناگون، برای مخاطبان متنوع و در انواع موقعیت‌های ارتباطی، برای کسب رضایت و یادگیری شخصی.

ویژگی دیگر برنامه‌های مطالعاتی ایالت آلبرتا آموزش سواد انتقادی به دانش‌آموزان است. برنامه مطالعاتی مهارت‌های زبانی، باز هم شاهدهی را برای این مدعا فراهم می‌کند. در این راستا، آموزش توانایی ارزیابی اعتبار ظاهری، میزان تناسب و اهمیت متون چاپی و غیرچاپی، آموزش درک کارایی و ارزش هنری متون و نیز توانایی بررسی بافتی که در آن متون مورد نظر خلق شده‌اند، جزء اهداف آموزش مهارت‌های زبانی به شمار می‌آیند.

ویژگی دیگر برنامه‌های مطالعاتی ایالت آلبرتا، آموزش برقراری ارتباط مؤثر و یادگیری از انواع متون گفتاری، نوشتاری، دیداری و چندرسانه‌ای است (آموزش سواد به صورت چندبُعدی) و نیز بر ایجاد توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز تأکید می‌کند. این موارد جزء اهداف برنامه مطالعاتی مهارت‌های زبانی و نیز فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در برنامه مطالعاتی فناوری اطلاعات و ارتباطات تلاش می‌شود دانش‌آموزان ضمن یادگیری حوزه‌های محتوایی مانند مهارت‌های زبانی، ریاضیات، علوم و مطالعات اجتماعی، دانش و مهارت‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات را یاد گرفته و به کار برند.

آموزش سواد به صورتی متأثر از جامعه، آموزش سواد انتقادی، آموزش سواد به صورت چندبُعدی و تلاش برای ایجاد توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دانش‌آموزان ایالت آلبرتا، روی هم رفته نشان می‌دهد برنامه درسی ایالت آلبرتای کانادا (۲۰۰۸) نیز نمونه دیگری از برنامه درسی مبتنی بر رویکرد «ایدئولوژیکی» به سواد است.

تبیین چارچوب نظری زیربنای تعریف سودا در برنامه درسی ملی کشور انگلستان (۲۰۰۷)

برنامه درسی ملی انگلستان (۲۰۰۷) در چهار سطح کلیدی تنظیم شده است (برنامه درسی ملی انگلستان برای سطوح کلیدی ۴-۱، ۲۰۰۷). سطح کلیدی ۱ برای دانش‌آموزان ۷-۵ سال (پایه‌های اول و دوم)، سطح کلیدی ۲ برای دانش‌آموزان ۱۱-۷ سال (پایه‌های سوم تا ششم)، سطح کلیدی ۳ برای دانش‌آموزان ۱۴-۱۱ سال (پایه‌های هفتم تا نهم)، سطح کلیدی ۴ برای دانش‌آموزان ۱۶-۱۴ سال (پایه‌های دهم تا یازدهم).

درس‌های ارائه شده در سطح کلیدی ۱ و ۲ اجباری است، اما در سطوح کلیدی ۳ و ۴ درس‌های اختیاری نیز ارائه می‌شود. آموزش دروس هنر و طراحی، طراحی و فناوری، زبان انگلیسی، جغرافیا، تاریخ، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ریاضیات، موسیقی، تربیت بدنی، علوم و آموزش مذهب در سطوح کلیدی ۱ و ۲ اجباری است. در سطح کلیدی ۳ دروس هنر و طراحی، آیین شهروندی، طراحی و فناوری، زبان انگلیسی، جغرافیا، تاریخ، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ریاضیات، زبان‌های خارجی جدید، موسیقی، تربیت بدنی، علوم، آموزش مشاغل (حرفه‌ای)، آموزش مسائل جنسی، و آموزش مذهب اجباری هستند و در عین حال دروس اختیاری نیز ارائه می‌شود که عبارتند از: آموزش مذهب در چارچوب آموزش اجباری مذهب، سلامت شخصی که شامل آموزش مسائل جنسی و مواد مخدر است و نیز سلامت اقتصادی و توانایی مالی که شامل آموزش مشاغل می‌شود.

آموزش دروس آیین شهروندی، زبان انگلیسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ریاضیات، تربیت بدنی، علوم، آموزش مشاغل (حرفه‌ای)، آموزش مسائل جنسی، یادگیری مرتبط با کار و آموزش مذهب در سطح کلیدی ۴ اجباری است و دروس اختیاری آن ادامه دروس اختیاری ارائه شده در سطح کلیدی ۳ است. همان‌گونه که مشاهده شد، با بالا رفتن پایه‌های تحصیلی در سطوح کلیدی ۳ و ۴، برنامه‌های مطالعاتی اختیاری ارائه می‌شود.

نکته دیگر اینکه آموزش دروس زبان انگلیسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ریاضیات، تربیت بدنی، علوم و آموزش مذهب، به صورت مستمر در تمام سطوح کلیدی دنبال می‌شود. این مطالب نشان می‌دهد میان برنامه درسی در سطوح کلیدی گوناگون، انسجام و هماهنگی لازم وجود دارد. به عبارت دیگر، تدوین برنامه درسی در سطوح کلیدی مختلف، به شکلی منسجم و در ادامه یکدیگر صورت می‌گیرد.

برنامه‌های مطالعاتی مربوط به هر یک از سطوح کلیدی تعیین می‌کنند که دانش‌آموزان در زمینه هر درس چه چیزی را باید بیاموزند و اهداف تحقق‌پذیری^۱ نیز وضع شده‌اند که استانداردهای مورد انتظار از عملکرد دانش‌آموزان را در درس مورد نظر و در آن سطح کلیدی مشخص می‌کنند. در دل هر هدف تحقق‌پذیر، دانش، مهارت‌ها و شناختی تعریف می‌شود که باید دانش‌آموزانی با توانایی‌ها و سطوح رشدی متفاوت تا پایان هر سطح کلیدی آن‌ها را کسب کنند (قانون آموزشی، ۱۹۹۶، قسمت ۳۵۳ الف).^۲

اهداف تحقق‌پذیر، ۸ سطح توصیفی دارند که پیچیدگی آن‌ها به ترتیب افزایش می‌یابد و علاوه بر آن، توصیفی برای عملکرد استثنایی فراتر از سطح هشتم نیز ارائه می‌شود. این سطوح توصیفی، مبنایی برای قضاوت درباره عملکرد دانش‌آموزان در پایان سطوح کلیدی ۱، ۲ و ۳ به دست می‌دهند و در سطح کلیدی ۴، قابلیت‌های ملی، ابزار اصلی ارزشیابی از میزان موفقیت دانش‌آموزان در دروس برنامه درسی ملی هستند.

بنابراین در کشور انگلستان، اهداف کلی آموزش مدرسه‌ای برای هر سطح کلیدی تدوین شده است و می‌توان پیش‌بینی کرد که دانش‌آموزان انگلیسی در پایان آموزش مدرسه‌ای در هر سطح کلیدی، به سواد در چه زمینه‌هایی دست می‌یابند.

آموزش و پرورش انگلستان به مدارس امکان می‌دهد تا برنامه‌های درسی خود را برای گنجاندن برنامه‌های مطالعاتی سازماندهی کنند. البته مدارس انگلستان هنگام برنامه‌ریزی باید ۴ پیش‌نیاز عمومی تدریس (استفاده از زبان، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، سلامت و ایمنی و همه‌جانبه‌نگری) را نیز که در کنار برنامه‌های مطالعاتی آموزش داده می‌شوند، مد نظر داشته باشند.

برنامه درسی ملی همراه با برنامه درسی مدرسه‌ای، بر شکل دادن به مهارت‌های سواد ضروری، شمردن از سنین پایین، یادگیری کامل و تضمین شده، تقویت خلاقیت دانش‌آموزان، و آگاهی اختیاری به معلمان در یافتن بهترین روش القای لذت‌یادگیری مادام‌العمر به دانش‌آموزان تأکید می‌کند. از این رو، در برنامه درسی ملی، میان برنامه‌های درسی دروس گوناگون همسویی و هماهنگی وجود دارد. به عبارت روشن‌تر، با اجرای برنامه درسی مدرسه‌ای هم‌سو با برنامه درسی ملی، بافت‌های آموزشی غنی و متنوعی برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود تا طیف گسترده‌ای از دانش، مهارت‌ها و

۱- attainment targets

۲- Education Act, 1996, section 353a

شناخت را به دست آورند، خلاقانه و انتقادی بیندیشند و مسائل متفاوت روزمره را حل کنند.

یکی از ویژگی‌های برنامه درسی ملی انگلستان، ترویج خلاقیت و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در یاددهی و یادگیری در عرض برنامه‌های درسی است. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جنبه مهمی از برنامه درسی ملی انگلستان است و تأکید می‌شود که استفاده خلاقانه و مفید از فناوری یاد شده در تمام جنبه‌های اجتماعی، برای یادگیری، زندگی روزمره و استخدام مهارتی ضروری است. همچنین، برنامه یاد شده فناوری اطلاعات و ارتباطات را برای گردآوری تحلیل و ارائه اطلاعات و نیز حل مسائل سودمند می‌داند.

ویژگی دیگر برنامه ملی انگلستان، تأکید بر توانایی برقراری ارتباط مؤثر و یادگیری از مطالب گفتاری، نوشتاری و دیداری (سواد چندبُعدی) است. شاهد این مطلب، دو مورد از اهداف برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی است که دانش‌آموزان باید بتوانند براساس آن‌ها با تلفیق واژه‌ها، تصورات و صداها در متون چندبُعدی (گفتاری، نوشتاری و دیداری)، معنا را بیافرینند و نیز شیوه تدوین و سازماندهی متون متفاوت از جمله متون غیر خطی و چندبُعدی را درک کرده و درباره آن‌ها اظهار نظر کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های برنامه ملی انگلستان، آموزش سواد انتقادی است. شاهد این مدعا یکی از مفاهیم کلیدی زیربنای مطالعه زبان انگلیسی با عنوان «درک انتقادی»^۱ است. براساس این مفهوم کلیدی، دانش‌آموزان انگلیسی باید با ایده‌ها و متون گوناگون آشنا شوند، مسائل اصلی آن‌ها را درک کنند و به آن‌ها واکنش نشان دهند، اعتبار و اهمیت اطلاعات و ایده‌ها را از منابع گوناگون ارزیابی نمایند، ایده‌های دیگران را تشریح کنند، ایده‌های خود را تدوین نمایند و برای درک شیوه شکل دادن به معنا، زبان گفتاری و نوشتاری را تحلیل و ارزیابی کنند.

ویژگی دیگر برنامه ملی انگلستان، اثرپذیری آن از ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های جامعه است (سواد متأثر از جامعه). شاهد این مدعا ارزش‌ها و اهداف زیربنای برنامه درسی مدارس انگلستان است که بر اساس آن‌ها آموزش و پرورش، ارزش‌های حاکم بر جامعه را منعکس می‌کند و خود نیز بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

آموزش سواد به صورتی متأثر از جامعه، آموزش سواد انتقادی، آموزش سواد به صورت

چند بُعدی و تلاش برای ایجاد توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دانش‌آموزان انگلستان، روی هم رفته ما را متقاعد می‌کند که برنامه درسی ملی انگلستان (۲۰۰۷) را نیز نمونه دیگری از برنامه درسی مبتنی بر رویکرد «ایدئولوژیکی» به سواد بدانیم.

تبیین چارچوب نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی در کشور سنگاپور (۲۰۰۶)

برنامه درسی سنگاپور (۲۰۰۶) برای دو سطح ابتدایی و متوسطه تدوین شده است: آموزش ابتدایی سنگاپور از یک سطح بنیادین چهار ساله (پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی)، یک سطح جهت‌گیری دو ساله (پایه‌های پنجم تا ششم) و آموزش مقطع متوسطه آن از دوره‌ای چهار تا پنج ساله، تشکیل شده است.

هدف کلی آموزش ابتدایی آن است که دانش‌آموزان به دانش خوبی در زمینه زبان انگلیسی، زبان مادری و ریاضیات دست یابند. در برنامه درسی دوره‌های ابتدایی و متوسطه، آموزش سه موضوع درسی و دو نوع مهارت گنجانده شده است. سه موضوع درسی عبارتند از: زبان‌ها، علوم انسانی و هنر، ریاضیات و علوم تجربی. این سه موضوع درسی، محتوا محور بوده و در دوره‌های ابتدایی و متوسطه شالوده قوی از این دروس در دانش‌آموزان بنا نهاده می‌شود.

آموزش زبان‌ها در دوره ابتدایی، آموزش زبان انگلیسی و زبان مادری را شامل می‌شود و در دوره متوسطه به صورت گسترده‌تر در قالب آموزش زبان انگلیسی، زبان مادری/زبان مادری در سطح بالاتر/ زبان ثانوی، زبان سوم به صورت اختیاری (زبان‌های فرانسه، آلمانی، ژاپنی، مالایی و چینی) است.

آموزش علوم انسانی و هنر در دوره ابتدایی با دروس مطالعات اجتماعی، هنرها و صنایع دستی^۱ و موسیقی انجام می‌شود و در دوره متوسطه در قالب آموزش موضوعات دوره اول متوسطه^۲: جغرافیا، تاریخ، ادبیات زبان انگلیسی، هنرهای دیداری و موسیقی؛ درس دوره دوم متوسطه^۳: علوم انسانی تلفیقی^۴ و دروس اختیاری دوره دوم متوسطه: جغرافیا، تاریخ، ادبیات زبان انگلیسی، ادبیات زبان چینی، ادبیات زبان مالایی، ادبیات زبان تاملیل، هنر و طراحی،

۱- arts and crafts

۲- lower secondary

۳- upper secondary

۴- combind humanities

موسیقی، هنر در سطح بالاتر و موسیقی در سطح بالاتر گسترش می‌یابد.

آموزش ریاضیات و علوم تجربی نیز در دوره ابتدایی از طریق دروس ریاضیات و علوم انجام می‌شود و در دوره متوسطه در قالب آموزش دروس دوره اول متوسطه: ریاضیات، علوم، طراحی و فناوری، تدبیر منزل؛^۱ دروس دوره دوم متوسطه: ریاضیات، یک درس علوم و دروس اختیاری دوره دوم متوسطه: ریاضیات اضافه،^۲ زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی، علوم تلفیقی، طراحی و فناوری، علم تغذیه و اصول حسابداری گسترش می‌یابد.

دو نوع مهارت شامل مهارت‌های شناختی^۳ و مهارت‌های زندگی^۴ است که در دوره‌های ابتدایی و متوسطه در قالب برنامه درسی غیرآکادمیک^۵ آموزش داده می‌شوند. مهارت‌های زندگی تضمین می‌کنند که دانش‌آموزان ارزش‌ها و مهارت‌هایی را که به عنوان بزرگسال مسئول و شهروند فعال در زندگی لازم دارند به دست می‌آورند. آموزش مهارت‌های زندگی در هر دو دوره ابتدایی و متوسطه از طریق فعالیت‌های همسو با برنامه‌های درسی، تعلیمات اجتماعی و اخلاقی،^۶ مراقبت مذهبی^۷ و هدایت شغلی،^۸ آموزش ملی، تربیت بدنی و کارهای پژوهشی صورت می‌گیرد.

مهارت‌های شناختی شامل، مهارت‌های تفکر، پردازش اطلاعات و برقراری ارتباط است که با دروس مهارت محور آموزش داده می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند با این مهارت‌ها اطلاعات را تحلیل کنند و افکار و ایده‌های خود را به طور شفاف و مؤثر بیان کنند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در برنامه درسی سنگاپور با بالا رفتن پایه‌های تحصیلی به ویژه در سطح متوسطه، دروس اختیاری ارائه می‌شود. نکته دیگر اینکه، موضوعات درسی در تمام پایه‌های تحصیلی تکرار می‌شوند و در پایه‌های بالاتر بر تنوع آن‌ها افزوده می‌شود. برای مثال موضوع علوم انسانی و هنر در دوره ابتدایی شامل مطالعات اجتماعی، هنرها و صنایع دستی^۹

۱- home economics

۲- additional mathematics

۳- knowledge skills

۴- life skills

۵- the nonacademic curriculum

۶- civics and moral education

۷- pastoral care

۸- career guidance

۹- arts and crafts

و موسیقی است، اما در دوره اول متوسطه: جغرافیا، تاریخ، ادبیات زبان انگلیسی، هنرهای دیداری و موسیقی؛ در دوره دوم متوسطه: علوم انسانی تلفیقی^۱ و دروس اختیاری دوره دوم متوسطه: جغرافیا، تاریخ، ادبیات زبان انگلیسی، ادبیات زبان چینی، ادبیات زبان مالایی، ادبیات زبان تامیل، هنر و طراحی، موسیقی، هنر سطح بالاتر و موسیقی سطح بالاتر نیز به آن‌ها افزوده می‌شوند.

هدف برنامه درسی سنگاپور (۲۰۰۶) فراهم کردن حق انتخاب آموزش برای دانش‌آموزان سنگاپوری است، به طوری که بتوانند علائق متفاوت خود را برآورده کنند و به شیوه‌های متفاوت بیاموزند. سنگاپوری‌ها معتقدند توانایی تشخیص اینکه چه بیاموزند و چگونه بیاموزند، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا مسئولیت بیشتری را برای یادگیری خود بپذیرند. آن‌ها برای تضمین رشد کلی و همه‌جانبه به دانش‌آموزان خود، در کلاس درس و خارج از آن آموزش‌های گسترده‌ای را ارائه می‌دهند. سنگاپوری‌ها با این رویکردهای آموزشی، امیدوارند کودکان خود را به مهارت‌های متفاوتی که در آینده به آن‌ها نیاز خواهند داشت تجهیز کنند.

سنگاپوری‌ها می‌خواهند همه کودکان را یاری دهند تا استعدادهای خود را بیابند، آن‌ها را در مدرسه رشد دهند و به توانایی‌های خود اعتماد داشته باشند. همچنین، دانش‌آموزان ترغیب می‌شوند علائق و استعدادهای گوناگون خود را در زمینه‌های آکادمیک، ورزش و هنر دنبال کنند. از طرفی، دانش‌آموزان سنگاپوری باید بتوانند سؤالات خود را مطرح کنند و به دنبال پاسخ آن‌ها باشند؛ آنان باید بتوانند به شیوه‌های جدید بیندیشند، مسائل جدید را حل کنند و فرصت‌های جدیدی را برای آینده ایجاد نمایند. به عبارت دیگر، سنگاپوری‌ها می‌کوشند تا با ایجاد نظام آموزشی متنوع و منعطف، برای دانش‌آموزان امکان پیشرفت بیشتری فراهم آورند.

برنامه درسی سنگاپور در دوره‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه، انسجام و هماهنگی دارد. به عبارت دیگر، تدوین برنامه درسی در این دو دوره تحصیلی به صورتی منسجم و در ادامه یکدیگر صورت می‌گیرد. همچنین، در برنامه درسی سنگاپور اهداف کلی آموزش مدرسه‌ای تدوین شده است و می‌توان پیش‌بینی کرد که دانش‌آموزان در پایان آموزش مدرسه‌ای، به چه نوع سواد و به چه میزان دست می‌یابند.

یکی از ویژگی‌های برنامه درسی سنگاپور فراهم آوردن فرصت‌هایی برای رشد شخصیت دانش‌آموزان و ایجاد مهارت نوآوری در آن‌هاست. از این رو، آموزش آن‌ها بر ایجاد شناخت، تفکر انتقادی، توانایی پرسش‌گری و جستجوی پاسخ و راه‌حل‌ها متمرکز می‌شود (آموزش سواد انتقادی). در این برنامه درسی به صراحت گفته می‌شود که هیچ رویکرد یا راه‌حلی در آموزش و پرورش وجود ندارد تا در تمام موقعیت‌ها کاربرد داشته باشد.

همچنین در این برنامه درسی تأکید می‌شود که دانش‌آموزان باید همزمان با رشد، فرصت کافی برای رشد مهارت‌ها و ارزش‌های مورد نیاز در زندگی را داشته باشند (آموزش سواد متأثر از جامعه). در این برنامه، برای کاهش تکیه بر یادگیری طوطی‌وار و ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری و آزمایش مستقل، آزمون‌ها و روش‌های ارزشیابی به طور منظم بازنگری می‌شوند. از طرفی، به معلمان سنگاپوری نیز برای تفکر درباره تدریس و پیشرفت و نوآوری در این زمینه فرصت‌های زیادی داده می‌شود.

هرچند برنامه درسی سنگاپور (۲۰۰۶) بر آموزش سواد انتقادی و آموزش سواد به صورتی متأثر از جامعه به دانش‌آموزان تأکید می‌کند، اما آموزش سواد برای ایجاد توانایی برقراری ارتباط مؤثر و یادگیری از مطالب گفتاری، نوشتاری و دیداری (سواد چند بُعدی) مورد نظر نیست. همچنین این برنامه درسی بر توانایی دانش‌آموزان در یادگیری با استفاده از فناوری‌های متفاوت نیز تأکید نمی‌کند. موارد فوق روی هم رفته نشان می‌دهد چارچوب نظری برنامه درسی سنگاپور (۲۰۰۶)، نسخه‌ای نه چندان قوی از برنامه درسی در چارچوب رویکرد «ایدئولوژیکی» به سواد است.

مقایسه برنامه‌های درسی کشورهای در حال توسعه (اندونزی و سنگال) با کشورهای پیشرفته (آمریکا، کانادا، انگلستان و سنگاپور)

کشورهای در حال توسعه سنگال و اندونزی، سندی با عنوان برنامه درسی ندارند و آموزش سواد را در قالب خواندن، نوشتن و حساب مقدماتی و بدون توجه به بافت اجتماعی - فرهنگی ارائه می‌دهند. از طرف دیگر، در کشورهای پیشرفته آمریکا (ایالت نیوجرسی)، کانادا (ایالت آلبرتا)، انگلستان و سنگاپور سند برنامه درسی تدوین شده است.

برنامه درسی کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی)، کانادا (ایالت آلبرتا) و انگلستان نسخه‌های گوناگونی از برنامه درسی مبتنی بر رویکرد «ایدئولوژیکی» هستند که هرچند تفاوت‌هایی دارند، اما از جهات زیر مشابه یکدیگرند:

- تأکید بر آموزش سواد به صورت چندبُعدی؛
 - تلاش برای ایجاد توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دانش‌آموزان؛
 - آموزش سواد به صورتی متأثر از جامعه؛
 - آموزش سواد انتقادی؛
 - همسویی و هماهنگی میان برنامه‌های درسی دروس گوناگون؛
 - آموزش در تمام دوره‌های تحصیلی به صورتی منسجم و در ادامه یکدیگر.
- برنامه درسی سنگاپور نیز به جز موارد اول و دوم، مشابه برنامه درسی کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی)، کانادا (ایالت آلبرتا) و انگلستان است.

نکته دیگر درباره برنامه درسی کشورهای پیشرفته، میزان انعطاف‌پذیری آن‌ها در ارائه دروس اجباری و اختیاری در دوره‌های گوناگون تحصیلی است. در بعضی از آن‌ها از جمله در برنامه درسی آمریکا، تعداد دروس در تمام پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی ثابت بوده و آموزش تمام دروس اجباری است. اما برنامه درسی کشورهای کانادا، انگلستان و به ویژه سنگاپور از این جهت انعطاف‌پذیرتر است و با بالا رفتن پایه‌های تحصیلی، برخی دروس به صورت اختیاری ارائه می‌شوند. به ویژه در ایالت آلبرتای کانادا، با بالا رفتن پایه‌های تحصیلی، از تعداد دروس اجباری کاسته شده و به طور محسوسی بر تعداد دروس اختیاری افزوده می‌شود.

تبیین چارچوب نظری زیربنای تعریف سواد در برنامه درسی ایران

آموزش و پرورش ایران سندی با عنوان برنامه درسی مشترک ندارد و آموزش آن در قالب سه دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (در رشته‌های نظری، فنی حرفه‌ای و کار و دانش) در قالب دروس اجباری است و تعداد دروس با افزایش پایه‌های تحصیلی افزایش می‌یابد.

بین برنامه‌های درسی دروس گوناگون در ایران، همسویی و هماهنگی وجود ندارد. یکی از شواهد این امر، تدوین نشدن اهداف کلی آموزش مدرسه‌ای است و نمی‌توان پیش‌بینی کرد که دانش‌آموزان ایرانی در پایان آموزش مدرسه‌ای، به چه نوع سواد و به چه میزان دست خواهند یافت.

نکته دیگر درباره برنامه درسی آموزش و پرورش ایران این است که در بیشتر موضوع‌های درسی، بین برنامه درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی انسجام و هماهنگی وجود ندارد. به عبارت دیگر، تدوین برنامه درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی به صورتی منسجم و در ادامه یکدیگر نیست و این برنامه، در بسیاری موارد تنها برای دوره ابتدایی نوشته شده است.

اما در کنار این ناهماهنگی آشکار، نوعی هماهنگی تلویحی در برنامه درسی دروس گوناگون مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، هدف‌های کلی برنامه درسی در تمام دروس در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی تدوین شده‌اند. برای نمونه، هدف‌های کلی برنامه آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی ایران در حیطه‌های یاد شده جزئیات بیشتری مطرح می‌شود تا شاید از رهگذر آن بتوان چارچوب نظری زیربنای تعریف سواد را در برنامه‌های درسی ایران روشن کرد.

هدف‌های شناختی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی به شرح زیر ارائه شده است: (راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی، ویراست ۱۳۸۸) آشنایی با ساختار زبان فارسی معیار، گسترش حوزه نمادها و معانی، آشنایی با زبان گفتار و نوشتار و درک تفاوت آن‌ها، آشنایی مختصر با جلوه‌های هنری زبان، آشنایی با مسائل اعتقادی، فرهنگی - تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ملی، علمی، هنری و آداب و مهارت‌های زندگی در قالب زبان، آشنایی با شیوه‌های تقویت حافظه و راه‌های پرورش ذوق و خلاقیت.

هدف‌های عاطفی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی عبارتند از: (راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی، ویراست ۱۳۸۸) ایجاد، پرورش و تقویت علاقه و نگرش مثبت نسبت به مبانی اعتقادی، فرهنگی و ملی کشور، بیان احساسات، عواطف و افکار در قالب گفتار و

نوشتار، جنبه‌های زیبایی سخن و تحسین، مطالعه و نیز تلطیف احساسات و عواطف.

هدف‌های مهارتی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی نیز در زمینه چهار مهارت نوشتن، سخن گفتن، گوش دادن و خواندن به شرح زیر مطرح شده‌اند: (راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی، ویراست شهریور ۱۳۸۸)

هدفهای آموزشی مهارت نوشتن: توانایی به‌کارگیری هنجار خط؛ درست نوشتن کلمات و جملات شنیده شده (املا)، به‌کارگیری علائم نشانه‌گذاری در نوشتن، توانایی در نگارش با استفاده از برخی پاره‌مهارت‌های نگارشی (انشا)، ملاحظه می‌شود که در آموزش نوشتن، بر درستی صوری و خوشنویسی تأکید می‌شود، نه برقراری ارتباط از طریق زبان نوشتاری. این ویژگی نخستین مختصه آموزش سواد در چارچوب رویکرد «مستقل از بافت» است.

هدفهای آموزشی مهارت سخن گفتن: به‌کارگیری اندیشه پیش از سخن گفتن، به‌کارگیری زبان مناسب برای مخاطبان، توانایی سخن گفتن در برابر جمع، به‌کارگیری کار افزارهای ارتباطی مناسب، انسجام در رساندن پیام و توانایی شرکت در بحث و گفتگو. به این ترتیب روشن است که در آموزش سخن گفتن، برقراری ارتباط از طریق زبان گفتاری به صورت کاربردی مورد توجه است.

هدفهای آموزشی مهارت گوش دادن: دقت و تمرکز در سخن گوینده، درک سخن و دریافت پیام، دریافت ارتباط میان بخش‌های گوناگون پیام، بررسی و اظهار نظر درباره شنیده‌ها. موارد یاد شده جزء مؤلفه‌های لازم برای گوش دادن انتقادی به شمار می‌آیند.

هدفهای آموزشی مهارت خواندن: توانایی بلند خوانی و صامت خوانی، خواندن با لحن و آهنگ مناسب، درک نوشته‌ها و دریافت پیام اصلی آن‌ها، دریافت ارتباط بخش‌های گوناگون نوشته، به‌کارگیری کار افزارهای مناسب در خواندن، گسترش دایره دید در خواندن و کسب عادات مطلوب در خواندن.

موارد مذکور نشان می‌دهد در برنامه درسی زبان فارسی دوره ابتدایی، آموزش این زبان در هر سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی، به صورتی مستقل از بافت اجتماعی- فرهنگی برنامه‌ریزی شده است. بعد انتقادی در ساختار سواد که در چارچوب این اهداف آموزش داده می‌شود، بسیار ضعیف و تنها در حد مهارت گوش دادن است. همچنین، به توانایی دانش‌آموزان در برقراری ارتباط و یادگیری با استفاده از فناوری‌های متفاوت نیز توجه چندانی نمی‌شود. هر

چند رویکرد زیربنای آموزش سواد در برنامه درسی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی ایران به صراحت بیان نمی‌شود، اما نگاهی به جدول رویکردهای «مستقل از بافت» و «ایدئولوژیکی» به سواد نشان می‌دهد که این برنامه درسی، آگاهانه یا ناآگاهانه با توجه به مفاهیم مطرح در رویکرد «مستقل از بافت» طراحی شده است.

نتیجه‌گیری

سواد را باید از چشم‌انداز بسیار گسترده‌ای نگرست و درک کرد، زیرا آنچه در یک بافت فرهنگی - اجتماعی سواد به شمار می‌آید، ممکن است در بافت فرهنگی - اجتماعی دیگر سواد به شمار نیاید. نکته مهم، توانایی شناسایی فعالیت‌هایی است که به توانایی سواد در بافتی خاص منجر می‌شود. این فعالیت‌ها در زندگی افراد و ارزشی که افراد جامعه به آن‌ها می‌دهند، نقش دارد. این دیدگاه در بطن «مطالعات جدید درباره سواد»^۱ نهفته است و با اینکه حدود دو دهه از طرح آن می‌گذرد، اکنون در محافل علمی به صورت جدی‌تری مطرح می‌شود. «مطالعات جدید درباره سواد» آن را فعالیتی اجتماعی معنا می‌کنند.

بررسی اصول «مطالعات جدید درباره سواد»، روایت جدیدی در زمینه ماهیت سواد به دست می‌دهد. این روایت از سواد مانند رویکردهای غالب، بر فراگیری مجموعه‌ای از مهارت‌ها تمرکز ندارد، بلکه ترجیحاً سواد را به صورت فعالیتی اجتماعی تبیین می‌کند.

استریت (۱۹۹۶) تبیین سواد به صورت یک فعالیت اجتماعی را مستلزم تشخیص سوادهای چندگانه‌ای می‌داند که برحسب زمان و مکان متنوع‌اند. در «مطالعات جدید درباره سواد» فرض می‌شود سواد در عمل از یک بافت اجتماعی به بافت اجتماعی دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تفاوت دارد و بنابراین، سوادهای متفاوت در شرایط گوناگون آثار متنوعی بر جای می‌گذارند. این دیدگاه رویکرد «مستقل از بافت» را به چالش می‌کشد، زیرا رویکرد یاد شده مفاهیم غربی‌ها از سواد را بر فرهنگ‌های دیگر و یا حتی در داخل یک کشور مفاهیم طبقه یا گروهی فرهنگی را به سادگی بر دیگران تحمیل می‌کند.

برنامه‌هایی مانند برنامه درسی سنگال، اندونزی و ایران مشکل عمومی رویکرد «مستقل از بافت» را در آموزش سواد برجسته می‌کنند، زیرا توانایی‌های سواد افرادی که با این برنامه‌ها

آموزش دیده‌اند، بسیار محدود است. آن‌ها سواد را به فرهنگ‌هایی که صنعت چاپ دارند محدود می‌کنند و توانایی سواد را چیزی می‌دانند که در تمام موقعیت‌ها قابل استفاده است، نه به صورت طیف توانایی‌های بافت‌مندی که افراد می‌توانند به صورت‌های شفاهی، نوشتاری و دیداری به کار ببرند.

همچنین، توانایی حاصل از سواد تنها حول کسب دانش و اطلاعات موجود دور می‌زند و افرادی که با این برنامه‌ها آموزش دیده‌اند، توانایی ایجاد دانش جدید ندارند. به علاوه، در برنامه‌های درسی این کشورها سواد نوشتاری بر صورت‌های دیگر سواد تفوق دارد و حتی زمانی که سواد فناوری‌های در حال ظهور در نظر گرفته می‌شود، به صورت مکمل سواد نوشتاری مطرح می‌شوند و سواد مجزا به شمار نمی‌آیند (لیدیکت، ۲۰۰۷).

هر چند در برنامه‌های درسی کشور ما سواد در چارچوب رویکرد «مستقل از بافت» تعریف می‌شود، اما به دلیل اینکه مانند برنامه درسی کشورهای توسعه یافته، به پیشرفت‌های علمی در حوزه‌های گوناگون نظر دارد، از برنامه درسی کشورهایی مانند اندونزی و سنگال یک گام جلوتر است.

برنامه درسی ایالت نیوجرسی آمریکا، ایالت آلبرتا کانادا، انگلستان و نیز سنگاپور با در نظر گرفتن زمینه‌هایی برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان و تبدیل شدن آن‌ها به یادگیرندگانی مادام‌العمر، و همچنین اشاره صریح به لزوم رشد مهارت‌های درک، تفکر انتقادی، پرسش‌گری و جستجوی پاسخ، کاهش تکیه بر یادگیری طوطی‌وار و ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری و آزمایش مستقل، نمونه‌هایی از برنامه درسی در چارچوب رویکرد «ایدئولوژیکی» هستند.

برنامه آموزش سواد در چارچوب رویکرد «ایدئولوژیکی»، به طور کلی بر ایجاد طیف توانایی‌های سواد چندرسانه‌ای تأکید می‌کند و فراگیرنده با کمک آن‌ها می‌تواند اطلاعات را در طیفی از نظام‌های نشانه‌ای (نوشتاری، گفتاری و دیداری) دستکاری کند.

برنامه یاد شده، تعریف سواد را در جهت نیازهای ارتباطی عصر جدید قرار می‌دهد و می‌کوشد تا توانایی واکنش به نیازهای ارتباطی در حال ظهور و در حال تکامل را در افراد شکل دهد. بر اساس این برنامه درسی، فرد با سواد شخصی است که دانش و مهارت‌های خود را به صورتی بافت‌مند به کار می‌برد؛ یعنی کاربر ماهر متن است، متن را به خوبی رمزگشایی می‌کند،

سازنده معناست، کاربر هدفمند اطلاعات است و مهارت‌های تفکر انتقادی را به عنوان تحلیل‌گر متن، به کار می‌گیرد. به عبارت دیگر، بر اساس این چارچوب، فردی با سواد به شمار می‌آید که بتواند سواد را منطبق با نیازهای ارتباطی و منطبق با بافت زمانی و مکانی به کار برد.

سنگ بنا و شالوده دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان در پایه‌های ابتدایی بنا نهاده می‌شود و آموزش آن‌ها در تمام سال‌های مدرسه ادامه می‌یابد. همچنین، دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان در هر پایه مبتنی بر دانش و مهارتی است که در پایه یا پایه‌های قبلی به دست آورده‌اند. برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند در زمینه‌های متفاوت و در موقعیت‌های گوناگون به خوبی سخن بگویند و به صورت تحلیلی و انتقادی به مطالب شنیداری گوش فرا دهند، از انواع خواندن و خرده مهارت‌های آن در موارد مقتضی استفاده کنند و در نهایت بتوانند منظور خود را متناسب با نوع مخاطب و موقعیت به نگارش در آورند، باید سواد با برنامه‌ای دقیق و اصولی، به آن‌ها آموزش داده شود.

آموزش سواد در برنامه درسی کشورهایی مانند کانادا، انگلستان و سنگاپور در چارچوب مفاهیم کلیدی رویکرد «ایدئولوژیکی» به سواد از جمله آموزش بافت‌مند (وابسته به بافت زمانی و مکانی) و سواد انتقادی به صورتی منسجم و هماهنگ در پایه‌های پیش‌دبستانی تا پیش‌دانشگاهی تعریف شده است. اما به نظر می‌رسد که در کشور ما در شرایط کنونی آموزش سواد بیشتر با توجه به شم و شهود و ذوق و تجربه فردی برنامه‌ریزان انجام می‌شود. کشور ما به تولید علم و نه فقط کسب دانش موجود نیاز دارد. به همین دلیل، لزوم برنامه‌ریزی برای آموزش سواد در پایه‌های پیش‌دبستانی تا دوازدهم در چارچوب رویکردی متناسب با بافت فرهنگی و اجتماعی کشور ضروری است.

فهرست منابع

- راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدای (۱۳۸۸). دفتر تألیف و برنامه ریزی کتاب های درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران.

-Alberta department of education (2008). Alberta's high quality curriculum: development and implementation.

-Besnier, N. and Street, B (1994). "Aspects of Literacy" in Encyclopedia of Anthropology (pp. 527-562). London: Routledge.

- Bhola, H.S (1994). A source book for literacy work. Perspective from the grass roots. London: Jessica Kingsley/UNESCO.

-Department of National Education Indonesia (1999). Functional literacy programme. On www at <http://www.accu.or.jp/litdbase/break/pdf/IDNf906G.PDF>.

-Gee, J.P (1991). Social Linguistics: Ideology in Discourses. Falmer Press: London.

-Green, P (1998). The journey from primary to secondary school: the literacy-related demands in transition. Australian Journal of Language and Literacy, VOL.21, 1998.

-Gutierrez. A (2008). Filling the critical literacy vessel: constructions of critical literacy in Australia. Paper presented at AARE conference, Brisbane.

-Herbert, P. & Richardson, C (2001). Literacy practices in northern Ghana. In B. Street (Ed.), Literacy and development: Ethnographic perspectives. Routledge: London.

-Liddicoat, A.J (2007). Language planning & policy: Issues in language planning & literacy. UK: Multilingual Matters Ltd.

- New Jersey department of education (2004). New Jersey core curriculum content standards for language arts literacy.

- Nordetveit, B.H. (2004). Managing public-private partnership Lessons from Literacy education in Senegal - Washington, DC: World Bank.

- Qualifications and Curriculum Authority (2007). England national curriculum at key stages 1, 2, 3 & 4.
- Schaefer, R,T (2003). Sociology matters. McGraw-Hill Publishing Co.
- Senegal Ministry of Education (2008). National Guidelines in Senegal: Ten-year Education and Training Program (PDEF) 1999-2008.
- Singapore ministry of education. (2006). Nurturing every child: flexibility and diversity in Singapore schools.
- Street, B (1984). Literacy in theory and practice. Cambridge: CUP.
- Street,B (1996). Social Literacies: Critical Approaches to Literacy in Development, Education, and Ethnography. Longman: London.
- Western Australia curriculum council.(1998).Curriculum Framework for kindergarten to year 12 education in western Australia.